



تصویری از وزارت خزانه‌داری آمریکا

از تشکیل کابینه‌ی جنگی، هم ایجاد هماهنگی میان دستگاهی در کوتاه‌ترین زمان ممکن جهت به حداقل رساندن مرحله‌ی تصمیم‌گیری تا اقدام در مقابل نقشه‌ی دشمن، و هم بسیج نیروها و امکانات برای انجام عملیات‌های آفندی و پدافندی است.

از زمان روی کار آمدن دونالد ترامپ در آمریکا، موضوع اتاق جنگ اقتصادی، با شدت و حدت بیشتری دنبال شده است. در همین راستا، "گروه اقدام ایران" (Iran Action Group) به عنوان دومین اتاق جنگ اقتصادی آمریکا، به ریاست "برایان هوک" در وزارت خارجه‌ی این کشور، از حدود سه ماه پیش تشکیل شد. این کارگروه ویژه وظیفه‌ی خود را فشار حداکثری اقتصادی علیه ایران و قطع دسترسی کشور به منابع مالی خود در جهت براندازی یا هماهنگی ایران با سیاست‌های آمریکا تعریف کرده است. این گروه مطابق سند راهبرد امنیت ملی ۲۰۱۵ آمریکا، "تحریم" را ابزار اصلی اعمال قدرت خود قرار داده و به ایران اعلام جنگ اقتصادی کرده است. تمرکز اصلی این گروه بر نحوه‌ی اعمال تحریم‌ها و هماهنگ کردن سایر کشورها در (۳)

کوچک در خزانه‌داری این کشور به عنوان بخش اصلی این کابینه‌ی جنگی توانستند، طی چند سال با استفاده از سه اهرم "دلار به عنوان ارز واسط بین‌المللی"، "نیویورک به عنوان هاب تراکنش‌های دلاری دنیا" و "جهانی شدن ارتباطات متقابل مالی" روش‌هایی را توسعه داده و از "دلار و بانک" به عنوان جنگ افزار نبرد علیه سایر کشورها استفاده کنند

چرا کابینه‌ی جنگی؟

۲- این واضح است که با تغییر جنگ‌ها از حالت جنگ سخت نظامی به جنگ‌های نرم سیاسی و فرهنگی و اقتصادی، ابزار و ادوات جنگی تا حد زیادی تغییر کرده است، اما این موضوع، لزوماً به معنای پایان فضای جنگی نیست، درست است که ابزار جنگی تغییر کرده اما ماهیت و اهداف جنگ‌ها، همچنان پابرجاست. به عنوان مثال در همین چند ماه اخیر که انگلستان قصد خروج از اتحادیه‌ی اروپا را داشت با تشکیل "کابینه‌ی جنگی" با عنوان برگزیت (war cabinet berexit) تدابیر ویژه برای خروج را بررسی کرد. اصولاً هدف اصلی

۱- پس از حوادث ۱۱ سپتامبر، هیأت حاکمه‌ی آمریکا تصمیم به ایجاد برخی اصلاحات در ساختار دفاعی و امنیتی خود می‌گیرد. در یکی از مهم‌ترین اصلاحات، برخلاف روال مرسوم، "وزارت خزانه‌داری" در کنار سازمان‌های امنیتی و دفاعی آمریکا، عضوی از اعضای جامعه‌ی اطلاعاتی و جنگی ایالات متحده می‌شود. جی سولومون (گزارشگر روزنامه‌ی وال استریت ژورنال) در کتاب مهم خود با عنوان "جنگ‌های ایران: بازی جاسوسی، نبرد آمریکا و توافقات پنهان"، ضمن تشریح نحوه‌ی فعالیت این اتاق جنگ و همکاری آن با "کابینه‌ی جنگ آمریکا"، نقش وزارت خزانه‌داری را به عنوان یکی از مهمترین نقش‌ها در چرخش جدید معرفی می‌کند. "خوان زارته"، معاون مدیر خزانه‌داری آمریکا در امور مبارزه با تروریسم و جرائم مالی در دوران مدیریت استوارت لوی، از "کارشناسان خزانه‌داری آمریکا" که درگیر نبرد مالی با کشورهای دیگر از جمله ایران هستند نیز با عنوان "چریک‌های کت و شلوار" یاد می‌کند. او در کتاب خود با عنوان "نبرد خزانه: ظهور عصر جدید جنگ‌افزارهای مالی" توضیح می‌دهد که چگونه اعضای گروهی



حزب الله این است | ۴

اگر مغرور شویم، ناکام خواهیم ماند

روش تحلیل سیاسی | ۴

چه کسانی می‌توانند پرچم حق را بلند کنند؟

اطلاع نگاشت | ۲

دعای مکارم الاخلاق را با این دید بخوانید

آن کسانی که پای این انقلاب ایستادند | این شماره تقدیم می‌شود به روح بلند شهید علی اقبالی

این انقلاب، انقلابی بود برای خدا. آن روزی که این انقلاب آغاز شد، این نهضت به وجود آمد، مثل نهضت احزاب نبود، مثل حرکت سیاسی حزب‌های دنیانبود که به قصد کسب قدرت باشد؛ حرکتی بود در عین مظلومیت، برای اجرای احکام الهی، برای ایجاد جامعه‌ی اسلامی، برای استقرار عدالت در جامعه. آن کسانی که مجاهدت کردند تا انقلاب به پیروزی رسید، و آن کسانی که پای این انقلاب ایستادند و مجاهدت کردند تا این ثبات و دوام را پیدا کرد، نیت‌های خالصشان بود. شهدای شما، شهدای نیروی هوایی، از این قبیل بودند. شهدای نیروهای مسلح، همه از این قبیل هستند. ۸۸/۱۱/۱۹



حاشیه‌های دیدار نخبگان علمی بارهبر انقلاب به روایت خط حزب الله



۱- وارد حسینیه که می‌شدید، مانند دیدار دانشجویان، شور و نشاط فضای جوانی، بیشتر از هر چیزی نمودار بود و جوان‌ها در تیپ‌های مختلف حضور داشتند. خیلی از جوان‌ها، بر گه‌های دست‌نویس در دست داشتند، گویا امیدوار بودند که آنها هم فرصت طرح بحث پیدا کنند.

۲- دیدار امسال تفاوت‌هایی را با دیدارهای سال قبل داشت. اول آنکه مدعوین، صرفاً از بنیاد ملی نخبگان نبودند و نخبگان وزارت علوم، و وزارت آموزش و پرورش هم دعوت شده بودند. دوم آنکه، افراد بیشتری فرصت پیدا کردند که دیدگاه‌های خود را در مقابل رهبر انقلاب مطرح کنند. سوم هم آنکه برای اولین بار، دیدار سه ساعته‌ی امسال، با برگزاری نماز جماعت و ناهار در معیت آقا همراه بود.

۳- نخبگانی که فرصت طرح بحث پیدا کردند، اگرچه نسبت به کمبودها و موانع، گله داشتند اما هر کدام از آنها، دارای راهکار و پیشنهادهای قابل توجهی برای حل مشکلات هم بودند.

۴- حدیثی که امروز در پیشانی حسینیه نصب شده بود، حکمت ۱۹۶ نهج البلاغه بود که امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «كُلُّ وَعَاءٍ يَضِيقُ بِنَا جُعِلَ فِيهِ إِلَّا وَعَاءُ الْعِلْمِ فَإِنَّهُ يَتَسَّعُ بِهِ: هر ظرفی به آنچه در آن می‌ریزند محدود می‌شود جز علم، که با افزودن دانش وسعت می‌یابد.»

۵- کتبی‌ها و سیاهی‌های مراسم دهه‌ی اول محرم از حسینیه جمع شده بود اما دو پرده‌ی سیاه، در جلوی حسینیه، سمت راست و چپ نصب شده بود که در آن ابیات شعر معروف محتشم کاشانی نوشته شده بود؛ باز این چه شورش است که در خلق عالم است...

۶- قبل از سخنرانی رهبر انقلاب، ۱۴ نخبه‌ی علمی کشور، دیدگاه‌ها و دغدغه‌های خود در حوزه‌های مربوط به مشکلات نخبگان و مسائل و موانع کاری مربوطه را بیان کردند.

۷- یکی از نخبگان، در خلال صحبت‌های خود، به موضوع "بنگاهداری بانک‌ها" اشاره کرد که بانک‌ها به جای آنکه سرمایه‌های جذب‌شده را در اختیار مردم برای کار قرار دهند، به بنگاه‌های ناکارآمد تحت امر خود واگذار می‌کنند، حالا هم که شما آنها را از این کار منع کرده‌اید، در پوشش ثبت شرکت‌های دانش‌بنیان، دارند همان کار را انجام می‌دهند.

۸- یکی دیگر از آنها به این موضوع اشاره کرد که با توجه به برآوردها، "تحریم‌های داخلی" (سوءتدبیرهای مدیریتی) تأثیر منفی بیشتری بر کشور داشته است تا تحریم‌های خارجی.

۹- نخبه‌ی دیگر، به بودجه‌ی پژوهشی کشور اشاره کرد که متأسفانه در اموری صرف می‌شود که در بلندمدت و حتی کوتاه‌مدت، سود چندانی برای کشور ندارد، که به جای آن باید با فهرست‌بندی و

شاخص‌سازی، پژوهش‌ها را به سمت حل و بهبود مشکلات زندگی مردم سوق داد. او همچنین به این موضوع اشاره کرد که صرف هزینه‌های مالی زیاد برای پذیرایی از مهمانان خارجی یا مهمانان ایرانی خارج‌نشین، باید متناسب با ظرفیت و کاری باشد که قرار است انجام بدهند.

۱۰- نفر بعد، درباره‌ی اهمیت زبان فارسی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های قدرت نرم کشور صحبت کرد و گفت که تعداد واژگانی که یک ایرانی در صحبت‌های روزمره‌ی خود به کار می‌برد حدود ۷۰۰ تاست، در حالی که اتحادیه‌ی اروپا تعداد واژگانی که برای خود تعریف کرده است، ۴۵۰۰ تاست. او به این نکته هم اشاره کرد که متأسفانه اشتیاق خانواده‌ها برای یادگیری فرزندان‌شان به زبان دوم و سوم هم موجب تضعیف زبان فارسی شده است که باید برای آن فکری کرد.

۱۱- وقتی هم‌ه‌ی ۱۴ نخبه صحبت کردند و حضار برای شنیدن بیانات رهبر انقلاب تکبیر گفتند، آقا اشاره کردند که میکروفون را فعلاً خاموش نکنند، بعد هم گفتند آن آقایی که ۵ دقیقه وقت می‌خواست برای صحبت کردن، بیاید. آن جوان هم بلند شد و پشت میکروفون آمد و گفت می‌خواهم چندتا درد دل با شما کنم. بعد هم از بی‌توجهی مسئولین ذیربط به نخبگان جوان گفت که علی‌رغم داشتن دستاوردهای علمی و فرهنگی و ورزشی، مسئولین توجهی به آنها ندارد و برای همین کار متناسبی با رشته‌ی تحصیلی خود ندارد. آقا هم گفتند که خوب شد این چیزها را گفتید، اینها همان حرف‌هایی هست که من هم به مسئولین گفتم و می‌خواهم بگویم، اما شما هم کمی باید صبرتان را بیشتر کنید. آقا همچنین در خلال صحبت‌های خود، مجدداً اشاره به حرف‌های این جوان کرد و گفت اگر چه حرف ایشان درست است، اما در عین حال، نباید تعمیمش داد.

۱۲- بعد از آن، آقا بیانات خودشان را اینگونه آغاز کردند که «دیدار این جمع نخبه‌ی جوان، جداً شادی‌آفرین و امیدآفرین است. من البته اگر شماها را حضوراً هم نبینم شادم، چون از وجود شما، از تلاش شما، از حرکت عظیمی که در کشور برای نخبه‌پروری آغاز شده مطلعم، لکن دیدن شما طبعاً شادی‌بخشتری به ما می‌دهد و خیلی متشکرم از شماها که امروز آمدید و از خدای متعال سپاسگزارم که این توفیق را به ما امروز داد؛ امید فراوانی هم در انسان ایجاد می‌کند. بنده در مورد امید همین جورم من هیچ‌وقت ناامید نیستم و نبودم و ان‌شاءالله نخواهم بود اما وقتی انسان می‌بیند شماها را از نزدیک، و این حرف‌های بسیار خوب را که اینجا زده شده می‌شنود، طبعاً امید انسان افزایش پیدا می‌کند.»

دعای مکارم الاخلاق را با این دید بخوانید

مرحوم حاج میرزا جواد آقای ملکی تبریزی - عارف معروف و مشهور و فقیه بزرگوار - در کتاب شریف «المراقبات» شان می‌فرماید: حقایق و معارفی که در ادعیه‌ی رسیده‌ی از معصومین (ع) وجود دارد، یک‌دهم آن در همه‌ی روایات و خطب رسیده‌ی از معصومین (ع) وجود ندارد؛ جز آن روایات توحیدی و خطب توحیدی. این دعاها خیلی اهمیت دارد. من حالا فقره‌ای از یک دعائی را در نظر گرفته‌ام که چند دقیقه‌ای بعضی از جملات آن را عرض بکنم... دعای بیستم صحیفه‌ی سجاده‌ی: دعای شریف معروف به مکارم الاخلاق.

۱- اول این دعا می‌فرماید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَحَنِّي بِحَلِيَةِ الصَّالِحِينَ وَالْبِئْسَى زِينَةَ الْمُتَّقِينَ»؛ آرایش بندگانی صالح را به من عنایت کن، من را زینت بده به زینت صالحین، و زیور متقین را به من عنایت بفرما. یعنی من را جزو بندگانی صالح و متقین و پرهیزگاران قرار بده... معمولاً وقتی صحبت تقوا به نظر می‌آید، اجتناب از گناهان فردی و انجام عبادات و این چیزها به ذهن متبادر می‌شود - که البته آنها یقیناً هست؛ شکی نیست - اما اینجا امام سجاد (ع) بیست و دو سه مطلب را در ذیل این فقره بیان می‌کنند که ماها را متوجه به ابعاد جدیدی از معنای تقوا، مفهوم تقوا و مصداق تقوا می‌کند.

۲- «والبئسنى زينة المتقين» در این چیزها: اول، «فی بسط العدل»؛ گستردن عدالت، عدالت را در میان جامعه مستقر کنیم؛ عدالت قضائی، عدالت به معنای تقسیم منابع حیاتی کشور میان احاد مردم، عدالت به معنای تقسیم درست فرصت‌ها میان مردم. تقوائی که از ما انتظار می‌رود، جزو پایه‌ها و مبانی این تقواست.



۱۴) همراهی با تحریم‌های علیه ایران است. برایان هوک نیز در یکی از مصاحبه‌هایش صراحتاً اعلام کرده است که این کارگروه تا به صفر رساندن صادرات نفت ایران و قطع تمام شریان‌های مالی ایران، از پای نخواهد نشست

رهبر انقلاب چه کرده‌اند؟

۳- از ابتدای امسال تا به حال، رهبر انقلاب نیز در جهت مقابله با نقشه و طراحی‌های دشمن، دستور تشکیل "شورای عالی هماهنگی اقتصادی سه قوه"، به عنوان اتاق جنگ اقتصادی ایران را صادر فرمودند تا از این طریق ضمن ایجاد هماهنگی میان دستگاهی در کوتاه‌ترین زمان، مسئولین مربوطه، با شناخت توطئه‌های اقتصادی دشمن، آنها را خنثی کرده و توانمندی دولت به عنوان فرمانده جنگ اقتصادی در این عرصه را افزایش دهند. دیدار دو ساعت و نیمه‌ی هفته‌ی گذشته‌ی رهبر انقلاب با اعضای شورای عالی هماهنگی اقتصادی سه قوه نیز در همین راستا است. در طول چهار ماه گذشته نیز رهبر انقلاب با کابینه‌ی دولت دوازدهم، دو جلسه‌ی طولانی مدت با محوریت جنگ اقتصادی و حل مشکلات معیشتی مردم برگزار کرده‌اند. اولویت ایشان با توجه به دیدار اخیر "رفع مشکلات معیشتی" مردم و "افزایش قدرت خرید" مردم، "برطرف کردن بنگاهداری بانک‌ها"، "مدیریت و هدایت نقدینگی" به سمت فعالیت‌های مولد، "عدم تعطیلی کارخانه‌ها" و "تقویت تولید ملی" با توجه به آسیب‌شناسی کارشناسان اقتصادی است.

لذا ایشان با تأکید بر شکل‌گیری آرایش جنگی در دولت و نهادهای ذیربط با موضوع اقتصاد، انجام "فرماندهی واحد دولت"، "تهیه‌ی نقشه‌ی راه اقتصادی" با تکیه بر "تقویت تولید داخلی" در دولت را مطالبه کرده و صراحتاً اعلام کردند: «دشمن ما اتاق جنگ را برده است در وزارت خزانه‌داری؛ اتاق جنگ علیه ما به جای وزارت دفاع، وزارت خزانه‌داری آنها است، به شکل فعال هم مشغولند... من عرض می‌کنم اینجا هم بایست ستاد مقابله‌ی با شرارت این دشمن در مجموعه‌ی اقتصادی تشکیل بشود؛ وزارت خارجه باید پشتیبانی کند، باید به صورت همراه کمک کند لکن بایست در مرکز اقتصادی دولت این ستاد تشکیل بشود و این کار را دنبال کنند.» ۹۷/۳/۲۴ در دیدار تیرماه هیأت دولت نیز رهبر انقلاب، تیم اقتصادی دولت را میانداز و محور اصلی کار و تحرک در کشور خواندند و همه‌ی دستگاه‌ها را نیز به هماهنگی با آن فراخواندند. هدف از همه‌ی این مطالبات و توصیه‌ها، فهم دقیق از شرایط جنگ اقتصادی، و به تبع آن شکل‌گیری "اتاق جنگ اقتصادی" توسط دولت است که متأسفانه تا به امروز محقق نشده است. از این‌گدنه و شرایط خطیر نیز می‌توان عبور کرده شرط آنکه اتاق جنگ اقتصادی هر چه زودتر تشکیل شده و کارگروهی پرتلاش و جوان، به صورت شبانه‌روزی مشغول حل مشکلات مردم باشند.

۳- «وکظم الغیظ»؛ فرو خوردن خشم. یک وقت هست که شما یک فرد معمولی متعارفی هستید، خشم شما نسبت به یک برادر دینی است، نسبت به یکی از اهل خانواده است... یک وقت هم هست که شما یک مسئول اجتماعی هستید، جایگاهی دارید؛ حرکت شما، اثبات و نفی شما، قول و فعل شما در جامعه اثر می‌گذارد؛ در یک چنین شرائطی، خشم شما دیگر با خشم یک آدم معمولی برابر نیست. علیه کسانی، علیه جریانی خشمگین می‌شویم و حرفی می‌زنیم؛ آثار این چنین خشمی با آثار یک خشم معمولی که حالا انسان بر فرض خشمگین می‌شود و یک نفر را کتک می‌زند، خیلی متفاوت است. کظم غیظ؛ خشم را فرو بخورید؛ کار از روی خشم انجام نگیرد. ممکن است شما با یک کسی، با یک جریانی، با یک مجموعه‌ای موافق نباشید؛ اینجا استدلال و منطق حاکم باشد؛ اگر این استدلال و منطق آمیخته شد با خشم، کار را خراب می‌کند؛ تجاوز از حد انجام می‌گیرد، اسراف به وقوع می‌پیوندد؛ «رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَاَسْرِفْنَا فِي أَمْرِنَا». (۴) اسراف یعنی زیاده‌روی.

۴- «اَوْطِئَةُ النَّارِ»؛ یکی از کارهایی که لازمه‌ی

تقوای ماست، فرو نشانیدن آتش است. این شعله‌ور شدن آتش - مراد، همین آتش‌های اختلافاتی است که بین مجموعه‌ها هست، بین گروه‌ها هست، بین دستگاه‌ها هست - در حکم آتش سوزان است. سعی همه باید این باشد که اطفاء کنند. نباید بر روی آتش بنزین پاشید، نباید آتش‌ها را مشتعل کرد. اینکه ما مکرر در مکرر توصیه می‌کنیم به دوستان، به مسئولین، به کسانی که تربیون دارند، به کسانی که حرفشان یا به طور عموم یا در بخشی از فضای کشور منعکس می‌شود، که گفته‌ها را، زبان‌ها را، اظهارات را، تعبیرات را کنترل و مراقبت کنند، به خاطر این است. گاهی اوقات یک تعبیری نه فقط ضد اطفاء نائره است، بلکه مشتعل کردن هر چه بیشتر نائره است؛ اطفاء نیست، بلکه ضد اطفاء است.

۵- «وَصَمَّ اهل الفرقة»؛ این کسانی که از جماعت

مسلمین جدا می‌شوند، از جماعت کشور فاصله می‌گیرند، کوشش کنید اینها را نزدیک کنید، منضم کنید. کسانی که میانه‌ی راه هستند، اینها را به منزل مطلوب برسانید. نگذاریم با رفتار ما، با عمل ما، با اظهارات ما، با منش ما، کسانی که یک ایمان نیمه کاره‌ای دارند، بکلی از ایمان بپُرنند؛ کسانی که نیمه‌ارتباطی با نظام دارند، از نظام منقطع شوند. عکس این عمل کنیم؛ کسانی که در نیمه‌ی راه هستند، اینها را جذب کنیم. مصداق‌های تقوا و شعب تقوا اینهاست.

۶- «و اصلاح ذات البین»؛ میانه‌ی افراد را اگر

اختلافی وجود دارد، اصلاح کنیم. «و افشاء العارفة و ستر العائبة»؛ درباره‌ی اشخاص، نقاط مثبت را، نقاط خوب را افشاء کنیم، منتشر کنیم. از کسی، از مسئولی کار خوبی سراغ دارید، این را بیان کنید و بگوئید. نقطه‌ی مقابل: اگر چنانچه نقطه‌ی منفی‌ای سراغ دارید، این را افشاء نکنید. افشاء نکردن معنایش این نیست که نهی از منکر نکنید؛ چرا، به خود آن کسی که به کارش اشکالی وارد است و باید ایراد گرفته شود، گفته بشود؛ اما افشاء کردن این چیزها مصلحت نیست. ۹۰/۵/۱۶





شرح حدیث

روش امام سجاد (ع) برای مبارزه

وقتی به کلمات امام چهارم (ع) در صحیفه‌ی سجادیه یا بعضی روایات نگاه می‌کنیم، اثر طرز فکری دلبستگی به دنیای بی‌دریغی که یزید و مروان و عبدالملک به سر و روی مردم علاقه‌مند به خود و طرف‌دار خود می‌ریختند را در میان کلمات امام سجاد (ع) کاملاً احساس می‌کنیم. می‌بینیم که اکثر گفته‌های امام سجاد (ع) درباره‌ی زهد است. امام سجاد (ع) در گفتارهای خود، مردم را به زهد توجیه می‌دهد: «أَوْ لَّا حَرْزٌ يَدْعُ هَذِهِ اللَّمَاطَةَ لِأَهْلِهَا» (۱) امام می‌ایستاد در مقابل مردم، می‌فرمود یک‌آدمرد نیست که این آب گند دهن سگ را ببندازد جلوی اهلش؟ یعنی این دنیای ننگین راه این راحتی‌ای که به برکت از دست دادن دین به دست آمده، این پول و ثروتی که به برکت عمل نکردن به وظیفه به دست آمده، این دنیای پست را ببندازد جلوی آن کسانی که لایقش هستند؛ بگوید من این دنیا را نمی‌خواهم، من قرآن را می‌خواهم، من امام سجاد (ع) را می‌خواهم؛ ای یزید! تو هر کاری می‌کنی، با من بکن.

* کتاب هم‌زمان حسین (ع)، صص ۱۵۷-۱۵۹. (۱) تحف العقول، ص ۳۹۱.

روش تحلیل سیاسی

چه کسانی می‌توانند پرچم حق را بلند کنند؟

جوان‌های ما برون تاریخ زندگی پیغمبر را از منابع محکم و مستند بخوانند و ببینند چه اتفاقی افتاده است. اگر شما می‌بینید امتی به این عظمت به وجود آمد - که امروز هم بهترین حرف‌ها، بهترین راه‌ها، بزرگ‌ترین درس‌ها، شفاف‌ترین داروها برای بشریت توی همین مجموعه‌ی امت اسلامی است - این جور به وجود آمد، گسترش پیدا کرد و ریشه‌دار شد. والا صرفاً اینکه حق با ما باشد، ما پیش نمی‌رویم؛ حق همراه با ایستادگی. امیرالمؤمنین - بارها من این جمله را از آن بزرگوار نقل کردم - در جنگ صفین فرمود: «لَا يَحْمِلُ هَذَا الْعِلْمَ إِلَّا أَهْلُ الْبَصَرِ وَالصَّبْرِ». این پرچم را کسانی می‌توانند بلند کنند که اولاً بصیرت داشته باشند، بفهمند قضیه چیست، هدف چیست؛ ثانیاً صبر داشته باشند. صبر یعنی همین استقامت، ایستادگی، پابرجایی. ۸۷/۵/۹

وقتی بیگانه به مسئولین کشور

طمع می‌کند

شما هر چه خوف دارید، از خودتان بترسید. از اینکه مبدا - خدای نخواسته - مسیر، یک مسیر دیگر بشود و راه، یک راه دیگری

باشد و توجه به این چیزی که الآن هست، از دست برود و مردمی بودن از دست‌تان برود. از این بترسید که اگر - خدای نخواسته - یک وقت این قضیه پیش آمد و شما از آن مردمی بودن بیرون رفتید و یک وضع دیگری پیدا کردید و خیال کردید



حضور رهبر انقلاب در جمع بسیجیان حاضر در اردوی فرهنگی زمی یاران امام علی (ع)

بسیجی چه کسی است؟

شما باید با نیروی خود، باراده‌ی خود، با دانش خود و با ایمان خود، عقب‌ماندگی‌های چنددهه‌سالی دوران قبل از انقلاب را جبران کنید. در میان جوانان، هر کس که این احساس مسئولیت و این احساس علاقه به اهداف راه‌همراه با اخلاص در وجود خود حس می‌کند، او بسیجی است. چه در نیروی مقاومت باشد، چه نباشد؛ چه رسماً کارت بسیج گرفته باشد، چه نگرفته باشد. آن کسی که با ایمان است، آن کسی که دنبال اهداف و اولاست، آن کسی که حاضر است از وجود خود برای کشورش، برای اسلامش، برای نظام اسلامی و برای آحاد ملتش، با وجود خود، با استعداد خود، با جان و تن خود سرمایه‌گذاری کند، او بسیجی است؛ در هر کجا که باشد. ۷۹/۷/۲۹

خانواده ایرانی

بازن و فرزندان با عدالت رفتار کنید

عدالت صرفاً در اقتصاد نیست؛ در همه‌ی امور بایستی انسان از خدای متعال بخواهد که عادلانه عمل کند؛ با خودش هم انسان با عدالت رفتار کند؛ با نزدیکان با عدالت رفتار کنید؛ با زن و فرزندان با عدالت رفتار کنید. گاهی بعضی از مسئولین دیدیم آنچنان غرق در کار می‌شوند که یادشان می‌رود از وجود همسرانشان و فرزندان‌شان؛ و این ضایعاتی را درست می‌کند. یعنی اینجور نیست که ما پای تعارف باشیم، بگوئیم: آقا! خواهش می‌کنیم بیشتر شما به خودتان برسید، شما هم بگوئید نه، اشکال ندارد. اینجوری نیست. این یک تکلیفی است که انسان بایستی همسرش، فرزندان‌ش، خانواده‌اش و کانون خانوادگی را حفاظت بکند. ۸۸/۶/۱۶

حزب الله این است

اگر مغرور شویم، ناکام خواهیم ماند

در صحنه‌ی نبرد سیاسی و نبرد اقتصادی، عیناً مثل صحنه‌ی نبرد نظامی اگر جبهه‌های که احساس پیروزی می‌کند، به خود مغرور نشود، راه پیروزی جلوی او بسته خواهد شد. مغرور شدن به پیروزی، نداشتن نقشه، نداشتن ابتکار برای تداوم پیروزی‌ها قطعاً موجب عقب ماندن در مقابل دشمن و موجب پیشروی دشمن خواهد شد. اگر مغرور بشویم، اگر به بی‌عملی و بی‌ابتکاری دچار بشویم، ناکام خواهیم ماند. باید تلاش

جوان‌ها هستید. ۹۷/۷/۱۲

حالی‌ای که من نخست‌وزیرم، حالی‌ای که من رئیس‌جمهورم، حالی‌ای که من وزیر کذا هستم، باید چه و چه و چه باشم، آن وقت بدانید که آسیب می‌بینید؛ یعنی، آن وقت است که خارجی‌ها به شما طمع می‌کنند. امام خمینی (ره): ۷ شهریور ۱۳۶۱

خاطرات رهبری

برای کوه رفتن مردم امکانات فراهم کنید

بنده گاهی اوقات که بر همان تنبلی مورد بحث و بر ضعف‌های مربوط به سن و پیری فایق می‌آیم، چند قدمی از کوهستان‌های اطراف تهران می‌روم بالا و می‌بینم هیچ کس نیست! غصه می‌خورم! در کوهستان، جاهایی هست که ساختمان‌ها در زیر پا پیداست؛ این همه آدم در اتاق‌ها خوابیده‌اند که در بین آنها جوان هست، در بین آنها کسانی هستند که ظاهر جسم‌شان اقلاً ده برابر ما توان و قدرت دارد؛ اما از این اتاق‌ها بیرون نمی‌آیند، ولی ما از این گوشه‌ی شهر باسن نزدیک به هفتاد سال، می‌رویم آن‌جا. دل انسان خیلی غصه‌دار می‌شود که چرا آنها در آن جا چهار قدم بالا نمی‌آیند و از این امکان استفاده نمی‌کنند. شما امکانات و اتوبوس بگذارید که اگر کسی خواست از پایین شهر و از راه‌های دور به این ارتفاعات بیاید، بتواند. ارتفاعات بعضی از شهرها یک خرد به شهر فاصله دارد، بنابراین، وسایلی فراهم کنید که اگر کسی خواست، بتواند بیاید - حالا اگر کسی همت نکرد و اراده نکرد؛ آن، بحث دیگری است - و تشویق بشوند؛ نگویند وسیله نداشتیم و نیامدیم. ۸۴/۸/۲۰

نهج البلاغه

آدمی که تقواندارد، تصمیم‌هایش در اختیار خودش نیست

تقوا، یعنی مراقب خود بودن. تقوا، یعنی یک انسان بداند که چه کار می‌کند و هر حرکت خودش را با اراده و فکر و تصمیم انتخاب کند؛ مثل انسانی که سوار بر یک اسب رهوار نشسته، دهانه‌ی اسب در دستش است و می‌داند کجا می‌خواهد برود. تقوا، این است. آدمی که تقوا ندارد، حرکات و تصمیم‌ها و آینده‌اش در اختیار خودش نیست. به تعبیر خطبه‌ی نهج البلاغه: کسی است که او را روی اسب سرکنشی انداخته‌اند؛ نه این که او سوار شده است. اگر هم سوار شده، اسب سواری بلد نیست. دهانه در دستش است، اما نمی‌داند چگونه باید سوار اسب شود. نمی‌داند کجا خواهد رفت. هر جا که اسب او را کشید، او هم مجبور است برود و قطعاً نجاتی در انتظار او نیست. این اسب هم سرکش است. (۱) اگر ما تقوا را با همین معنا در نظر بگیریم، به نظر من راحت می‌شود راه‌ها را طی کرد. ۷۷/۲/۷ | ۱ | نهج البلاغه، خطبه ۱۶